

مارتین دیویس

فلسفه ذهن

مهدی ذاکری



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۶

این کتاب ترجمه‌ای است از:
Martin Davies, "Philosophy of Mind" in
Philosophy 1: A Guide Through the Subject,
edited by A.C. Grayling,
Oxford University Press, 1999.

فلسفه ذهن

دیویس، مارتین، Davies, Martin

نویسنده: مارتین دیویس؛ مترجم: مهدی ذاکری

۱۵۶ص، تهران: حکمت ۱۳۹۱

شابک: 978-964-244-061-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب:

The Philosophy 1: A Guide through the subject, تحت عنوان

Philosophy of Mind تألیف مارتین دیویس است.

فلسفه ذهن

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸ف۹۰۳/۱۸۴BD

رده‌بندی دیویی: ۱۲۸/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۴۶۷۵۸



نشان حکمت

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای بوریان، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲/۶۶۴۱۵۸۱۱/۶۶۴۰۶۵۰۵

سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۶۶۰۵۰۹۸۷

www.ekmat-ins.com

info@ekmat-ins.com

فلسفه ذهن

نویسنده: مارتین دیویس

مترجم: مهدی ذاکری (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

چاپ دوم: ۱۳۹۶ ش/۱۴۳۸ ق

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۰۶۱-۰

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی،

الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت متن
۱۳	مقدمه
۱۹	۱. ذهن و مغز
۲۰	۱.۱. دوگانه‌انگاری
۲۴	۱.۲. رفتارگرایی
۲۸	۱.۳. مادی‌انگاری حالت مرکب
۳۲	۱.۴. کارکردگرایی
۴۰	۱.۵. میان‌پرده: مادی‌انگاری تحویل‌گرایانه و غارتجه‌گرایانه
۴۱	۱.۶. یگانه‌انگاری بی‌قانون
۵۰	۱.۷. حذف‌گرایی
۵۵	۱.۸. پیش‌دید: حیث التفاتی و آگاهی
۵۷	۲. حیث التفاتی
۵۷	۲.۱. انواع دربارگی
۵۷	۲.۱.۱. دربارگی گرایش‌ها
۶۰	۲.۱.۲. دربارگی زبانی
۶۲	۲.۱.۳. دربارگی دال
۶۴	۲.۱.۴. دربارگی تجربی
۶۵	۲.۱.۵. دربارگی تابع‌باور
۶۶	۲.۱.۶. مرور
۶۷	۲.۲. موضع التفاتی
۷۶	۲.۳. هم‌تغییری و غایت‌شناسی
۸۲	۲.۴. نقش کارکردی و کل‌گرایی

۸۹	۲. ۵. مفاهیم و شرایط مفهوم‌داری
۹۹	۲. ۶. نظریات حیث التفاتی
۱۰۱	۳. آگاهی
۱۰۶	۳. ۱. استدلالی برای فرار بودن
۱۰۹	۳. ۲. اعلام راز
۱۱۲	۳. ۳. تفکرات مرتبه بالاتر
۱۱۶	۳. ۴. میان‌پرده: تبیین آگاهی
۱۱۹	۳. ۵. آگاهی و حیث التفاتی
۱۲۵	۴. علم ذهنی
۱۲۵	۴. ۱. دخالت علی
۱۳۳	۴. ۲. علم و توقع آتی
۱۳۸	۴. ۳. تبیین گریز تأثیر
۱۴۳	کتاب‌شناسی

یادداشت مترجم

بحث و فلسفه ذهن که زیرمجموعه فلسفه تحلیلی است و همان‌طور که از نامش پیدا است به موضوع ذهن و حالات و ویژگی‌های آن می‌پردازد از اواسط قرن بیستم آغاز شد و در دهه‌های پایانی این قرن اهمیت و جایگاه برجسته‌ای یافت. بحث فلسفی درباره نفس از دیرباز بخشی از فلسفه و از جمله فلسفه اسلام با تشکیل می‌داده است، اما تحولاتی که در دوره جدید در فلسفه غرب روی داد و به شکل‌گیری فلسفه تحلیلی منتهی شد، سبب شد تا در کنار مسائل سنتی، مسائل تازه‌ای نیز درباره ذهن مطرح شوند و به بحث فلسفی درباره ذهن دامن بزنند. از باب مثال، مسئله‌ای مانند مسئله رابطه نفس یا ذهن با بدن که از مسائل سنتی این حوزه به‌شمار می‌آید در فلسفه ذهن ساختار جدیدی از تازه‌ای یافته و رویکردهای بی‌سابقه‌ای نسبت به آن شکل گرفته است. مسئله‌ای چون حیث التفاتی نیز با اینکه در دوره‌های گذشته به عنوان اشاراتی به آن یافت، به نظر می‌رسد تنها در چند دهه اخیر، جهت حل مسئله معنا در فلسفه زبان مطرح شده است.

در هر حال، این حوزه فلسفی اکنون از محوری‌ترین حوزه‌های بحث فلسفه امروز دنیاست. در کشور ما نیز چند سالی است که به فلسفه ذهن توجهی هرچند اندک می‌شود و در کنار مقالات معدودی که در مجلات تخصصی انتشار می‌یابند، کتبی نیز در این زمینه ترجمه

و به تدریج تألیف می‌شوند. همین اندک نیز کافی است تا اهمیت بحث‌های فلسفی دربارهٔ نفس یا ذهن را بیش از پیش آشکار کند. اکنون اهمیت این بحث‌ها علاوه بر معرفت‌شناسی و فلسفهٔ زبان که منشاء تشکیل آن بوده‌اند، برای حوزه‌های معرفتی مهمی مانند انسان‌شناسی، فلسفهٔ دین، فلسفهٔ اخلاق و روانشناسی برای ما آشکار شده است و نیاز به کار جدی در این زمینه احساس می‌شود.

آنچه در پیش‌رو دارید ترجمهٔ فصل پنجم کتاب راهنمای موضوعی فلسفه^۱ به ریاست ای. گریلینگ است که ابتدا در سال ۱۹۹۵ انتشار یافته و سپس در سال‌های ۱۹۹۸، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و در سال ۲۰۰۰، دوبار تجدید چاپ شده است. همان‌طور که در پیش‌گفتار این مجموعه آمده است، این کتاب نقشه‌ای است شامل قلمروهای اصلی فلسفه و قرن است با پرداختن واضح و تا حدودی مفصل به مسائل مهم فلسفه در آن واحد درآید و راهنمایی به فلسفه باشد. با مطالعه این کتاب در خواهید یافت که هرچند متنی درآمدگونه را مطالعه می‌کنید اما مطالب سطحی نیستند و به عمق مسائل نفوذ می‌کنند.

نویسندهٔ فصل فلسفهٔ ذهن، مارتین دیوید، استاد فلسفه در دانشگاه آکسفورد است. علایق پژوهشی او عبارتند از فلسفه، روانشناسی و علم‌شناختی، فلسفهٔ ذهن و زبان و معرفت‌شناسی. از آن مقالات بسیاری در این حوزه‌ها منتشر شده است و آخرین اثر او ویراستاری مجموعه مقالات مرزهای آگاهی^۲ است.

نویسنده در متن پیش‌رو چهار موضوع از موضوعات فلسفهٔ ذهن را مطرح می‌کند: مسئلهٔ ذهن و بدن؛ حیث التفاتی؛ آگاهی؛ و علیت ذهنی. بی‌تردید می‌توان گفت به جز حیث التفاتی، سه موضوع دیگر اکنون اصلی‌ترین موضوعات فلسفهٔ ذهن را تشکیل می‌دهند، هرچند حیث

1. A. C. Grayling, *Philosophy: A Guide through Subject*, Oxford University Press.

2. *Frontiers of Consciousness*, edited by Lawrence Weiskrantz and Martin Davies, Oxford University Press, 2008; 332 pages.

التفاتی نیز محل بحث‌های فراوانی است. اما موضوعات فلسفه ذهن منحصر به این موارد نیستند و خود نویسندگان نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنند. مسئله اذهان دیگر، این‌همانی شخصی، اراده آزاد، روانشناسی عامیانه، هوش مصنوعی، عواطف نیز از موضوعات فلسفه ذهن‌اند که در اینجا به آنها پرداخته نشده است. به‌خصوص درباره سه موضوع آخر در ادبیات فارسی مطلب قابل توجهی به چشم نمی‌خورد و جای نالی متونی که دست‌کم معرفی مقدماتی از آنها ارائه کرده باشد احساس می‌شود. امید آنکه این اثر مختصر در خصوص چهار موضوع فوق برای خوانندگان مفید واقع شود و آنها را به تلاش و مطالعه بیشتر ترغیب کند.

مهدی ذاکری

استادیار دانشگاه تهران (پردیس قم)

۱۳۹۰

مقدمه

فلسفه ذهن، جملاً، حوزه‌ای از فلسفه است که به مسائل مربوط به ذهن می‌پردازد. بسیاری از این مسائل مابعدالطبیعی و معرفت‌شناختی اند. مسائل مابعدالطبیعی درباره ذهن شامل این مسائلی است که آیا ذهن جوهری، مجرد است یا نه و پدیده‌های ذهنی چگونه در نظام علیّی مندرجند. اصلاً اساسی‌ترین مسائل مابعدالطبیعی در فلسفه ذهن به رابطه میان پدیده‌های ذهنی و پدیده‌های فیزیکی می‌پردازند. مسئله ذهن و بدن، مثال معرفت‌شناختی درباره ذهن شامل این مسائلی است که چگونه می‌توانیم به معرفتی درباره اذهانی غیر از ذهن خودمان دست پیدا کنیم و آیا در کاملاً معتبری برای به دست آوردن معرفت درباره اذهان خودمان داریم یا نه.

توصیف فلسفه ذهن صرفاً به حوزه‌ای که به مسائل فلسفی مربوط به ذهن می‌پردازد کاملاً دقیق نیست، زیرا همین مطالعه را درباره فلسفه روانشناسی هم می‌توان گفت. فیلسوفان متفاوت درباره این دو رویکرد به موضوع ذهن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اما اگر بگوییم فلسفه ذهن به تصور متعارف و روزمره ما از پدیده ذهنی می‌پردازد و فلسفه روانشناسی به مسائل برخاسته از مطالعه علمی پدیده ذهنی (آن نوع مسائلی که در دانشکده‌های روانشناسی تجربی مطرح است) تفکیک کارآمدی در دست خواهیم داشت. البته این

تفکیک تاحدی مصنوعی است. زیرا روانشناسی علمی حاوی حجم زیادی از تفکر روزمره ما درباره ذهن است و تصور متعارف ما از ذهن هم بی تردید تحت تأثیر کشفیات روانشناسان قرار دارد. با این حال، این تفکیک کافی است.

تصور متعارف ما از امور ذهنی از مفاهیم تفکر - و به طور خاص تر از مفاهیم باور، میل، قصد، استنتاج و برنامه ریزی - و عمل به خاطر میل بهره می برد. شاکله روزمره ما از ذهن همچنین شامل مفاهیم تجربه و به طور خاص تر ادراک حسی، احساس، عاطفه و آگاهی است. این شاکله عمومی «روانشناسی عامیانه» خوانده می شود. فلسفه ذهن مباحث روانشناسی عامیانه را تحلیل می کند، توضیح می دهد و ارتباطات میان آنها را روشن می کند و به فهم بهتر توصیفات و تبیین های روزمره ما از تفکرات، تجربه ها و اعمال دیگران و خود کمک می کند.

گفتیم که فلسفه ذهن با معارف روانشناسی و مابعدالطبیعه همپوشانی دارد و با فلسفه روانشناسی همجوار است. فلسفه ذهن با بسیاری از دیگر حوزه های فلسفه از جمله فلسفه زبان، فلسفه اخلاق و زیبایی شناسی نیز ارتباطات نزدیکی دارد. در دوره های پیوندهای فلسفه ذهن با فلسفه زبان بسیار برجسته است. فلسفه زبان طی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در جایگاه محوری قرار داشت. پرداختن به طیف گسترده ای از مباحث هستی فلسفه دانسته می شد. اما تحقیق درباره مفهوم کلیدی فلسفه زبان - مفهوم معنای زبانی - به ناچار به مسائلی درباره افکاری منتهی می شود که از زبان برای بیان آنها استفاده می شود و در دهه های اخیر فلسفه ذهن جایگاه غالب را در تحقیق فلسفی به دست آورده است.

بسیاری از دانشجویان فلسفه دسترسی به فلسفه ذهن را آسان‌تر از فلسفه زبان می‌یابند و فلسفه ذهن - برخلاف فلسفه زبان - به خوبی از متون درسی مقدماتی برخوردار است. تعدادی از این کتاب‌ها در ابتدای کتابشناسی فهرست شده‌اند. در سال‌های اخیر انتشار گزیده‌ها نیز رشد شگرفی داشته است و اکنون دسترسی به تعداد بسیار زیادی از مقالات اصلی امکان‌پذیر است. بسیاری از این گزیده‌های عالی نیز در کتابشناسی فهرست شده‌اند.

کتاب‌های درسی فلسفه ذهن معمولاً با مسئله ذهن و بدن آغاز می‌کنند و این رشته نیز از همین الگو پیروی می‌کند. قسمت ۱ دربارهٔ رابطه میان ذهن و بدن، به خصوص میان ذهن و مغز است. مسائلی که در این قسمت با آنها پرداخته می‌شود اصولاً مابعدالطبیعی‌اند. مابعدالطبیعه جدید ذهن مدتی مادی‌انگار است و به همین دلیل ما را با چالشی مواجه می‌سازد. زیرا به آسانی نمی‌توان دریافت که حالات ذهنی چگونه می‌توانند در دنیای فیزیکی و سر مادی ویژگی‌های خاص خودشان را داشته باشند.

مثال‌های برجسته حالات ذهنی باور ما را اساس هابند. هر کدام از این دو نوع حالت ذهنی مشکلی را ایجاد می‌کنند. دربارهٔ باور، مشکل فهمیدن این است که باورها چگونه می‌توانند دربارهٔ اشیاء باشند. دربارهٔ احساس مشکل به پدیدارشناسی آن مربوط است.

جهان‌بینی دکارت شامل دو نوع جوهر متفاوت است: جوهر اشغال‌کننده فضا (ماده) و جوهر متفکر (ذهن). وقتی دکارت مقابل آتش نشسته بود و مشغول تأملاتش بود، بدنش فضایی را مقابل آتش اشغال کرده بود، و ذهنش پذیرای افکاری («من اینجا هستم، نشسته در مقابل آتش، لباسی زمستانی پوشیده...») بود. با این جهان‌بینی، این پرسش که ذهن چگونه می‌تواند باورهایی داشته

باشد که دربارهٔ اشیاء هستند همانند این پرسش که اجسام چگونه ممکن است ممتد در فضا باشند می‌توانست بی‌معنا به نظر برسد. اندیشیدن دربارهٔ اشیاء دقیقاً همان کاری است که اذهان انجام می‌دهند، همان‌طور که ممتد در فضا بودن همان کاری است که اجسام انجام می‌دهند.

اما هنگامی که به سوی این دیدگاه حرکت کنیم که اذهان به‌نحوی برخی از ساختار مادی جهان هستند، با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که چگونه ممکن است جوهر اشغال‌کننده فضا جایگاه تفکر نیز باشد. چگونه ممکن است که برخی از (نه همه) رویدادهای مادی در برخی از (نه همه) اشیاء فیزیکی، دربارهٔ اشیاء دیگری در جهان باشند. دربارهٔ آتشی یا لباسی؟ این پرسش موضوع قسمت ۲ است.

این پرسش که چگونه می‌شود برخی از رویدادها در شیمی فیزیکی - یعنی احساس ما - یک ویژگی پدیداری سایبجکتیو داشته باشند پرسشی حادث‌تر است. این پرسش است بپذیریم که مغز فیزیکی به‌نحوی مسئول آگاهی است. اما اینکه ویژگی‌های عصبی چگونه می‌توانند به یک پدیدارشناسی منتهی شوند بران ما کاملاً اسرارآمیز و ناشناخته است. قسمت ۳ این راز را توضیح می‌دهد.

برخی از رویدادهای عصبی باور یا احساس اند. دست کم باورها یا احساس‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین برخی از رویدادها در مغزهای ما ویژگی‌هایی همچون ویژگی باوری دربارهٔ آتش بودن یا ویژگی احساس گرما بودن را دارند، همان‌طور که ویژگی‌های نوروفیزیولوژیکی، شیمیایی و در نهایت فیزیکی دارند. ما با این امر مشکلی نداریم که ویژگی‌های دسته دوم - ویژگی‌های مادی که در علوم فیزیکی و زیستی مطالعه می‌شوند - نقشی در نظام علی ایفا

۱. ظاهراً منظور صدایی است که دستگاه‌های ثبت‌کننده امواج عصبی هنگام ثبت امواج مغزی ایجاد می‌کنند - م.

می‌کنند. این ویژگی‌ها در نحوه بودن اشیاء تفاوت ایجاد می‌کنند. همچنین بخشی از شاکله روانشناسی عامیانه روزمره و متعارف ما این است که ویژگی‌های ذهنی [هم در نحوه وجود اشیا] تفاوتی ایجاد می‌کنند. به خاطر اینکه باور خاصی درباره چیزی دارم یا احساس خاصی دارم به نحو خاصی عمل می‌کنم، بدن به نحو خاصی حرکت می‌کند و جریان رویدادها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما استدلال‌های فلسفی‌ای وجود دارند که این ایده را نفی می‌کنند که جنبه‌های ذهنی یک دنیای مادی در تعیین چگونگی ادامه یافتن جریان ریختش علی‌ایفا می‌کنند. این حوزه حوزه‌ای است بسیار مشکل و مرکب از تحقیقات بسیاری قرار گرفته است. قسمت ۴ درآمدی به برخی از مباحث این حوزه فراهم می‌کند.

این چهار قسمت نقادانه به بحث‌های رایج و محوری در فلسفه ذهن هستند. اما بحث‌های بسیار هستند که به آنها نمی‌پردازیم و حتی به آنها اشاره هم نمی‌کنیم. فهرست تمام آنها در این کتاب نیست بسیار طولانی است؛ اما می‌توان سه بحث مهم را ذکر کرد.

در این کتاب مطلب بسیار کمی دربارهٔ مبانی معرفت‌شناختی دربارهٔ ذهن هست. این مسائل دو دسته‌اند. از یک سو، مسائلی هستند دربارهٔ اینکه فرایندهای ذهنی - ادراک حسی، حافظه، یادگیری - چگونه ما را به کسب معرفت قادر می‌سازند. از سوی دیگر، مسائلی هستند دربارهٔ معرفت ما به خود حالات و فرایندهای ذهنی. دسته دوم تقسیم می‌شوند به مسائلی دربارهٔ معرفت ما به اذهان دیگران، و مسائلی دربارهٔ چگونگی - ظاهراً خاص - کسب معرفت به اذهان خودمان.

در این کتاب مطلب چندانی دربارهٔ ماهیت روانشناسی عامیانه وجود ندارد. ما توانایی‌ای داریم برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی آنچه افراد تجربه می‌کنند، فکر می‌کنند و انجام می‌دهند. ما به رویه‌ای مشغولیم که از مفاهیم روانشناسی عامیانه‌مان برخاسته است.

اما هنگامی که دربارهٔ رویه روانشناسی عامیانه‌مان تأمل می‌کنیم، بی‌درنگ روشن نیست که مبنای این توانایی چه نوع چیزی است. بسیاری از فیلسوفان استدلال می‌کنند که این توانایی ما مبتنی است بر معرفت به یک نظریهٔ تجربی عرف عام دربارهٔ تجربه‌ها، باورها و اعمال - دربارهٔ اینکه این امور چگونه پدید می‌آیند و آثار نوعی آنها چیست. اما این موضوع محل نزاع است و مؤیدات معتابیهی به نفع دیدگاه رقیبی وجود دارد که می‌گوید فهم ما از افراد دیگر عمیقاً به توانایی هم‌ذات‌پنداری با آنها در مخیله وابسته است.

این بحث فلسفی دربارهٔ ماهیت روانشناسی عامیانه همراه است با بحثی در روانشناسی رشد دربارهٔ اینکه کودکان چگونه به فهم حیات ذهنی دیگران دست می‌یابند. هم در فلسفه و هم در روانشناسی، از تحقیق دربارهٔ واطف نتایج بسیاری به بار آمده است. این حوزه حوزه سرمی است که در این کتاب راهنما اثری از آن نمی‌بینید. با این حال، هیچ تناسلی از حیات ذهنی ما مادام که به عواطف نپردازد کامل نخواهد بود این موضوع هنگامی که بخواهیم فلسفه ذهن را به مسائلی در فلسفه اخلاق و زیبایی‌شناسی پیوند بزنیم موضوعی حیاتی است.

در انتهای کتاب‌نامه خواندنی‌های مقدمه‌ای دربارهٔ این سه موضوع معرفی شده‌اند. مابقی کتاب‌نامه مطابق قسمت‌های فرعی این کتاب مرتب شده است. برای هر قسمت فرعی، تعدادی از خواندنی‌های اصلی همراه با فهرستی طولانی‌تر شامل خواندنی‌های بیشتر معرفی شده‌اند. تفکیک میان خواندنی‌های اصلی و خواندنی‌های بیشتر مطابق تفکیک عمیقی در واقعیت نیست. خواندنی‌های اصلی آثاری هستند که به‌طور کلی در متن کتاب بیشتر ذکر شده‌اند، اما بر اساس خواندنی‌های متفاوت، مسیرهای جایگزین بسیاری در این حوزه وجود دارد.